

فرضی می توانیم باعث کاهش خسارت های جانی در زمان وقوع مخاطرات در بین کودکان سرزمین مان باشیم.»

کارهای خلاقانه زیادی می توان برای رسیدن به این هدف در آموزش کودکان انجام داد. می توانید از کودک تا بخواهید یک نقاشی از اتاق یا خانه تان بکشید. اگر کشیدن جزئیات برای او سخت است، شما هم کمکش کنید سپس نقاط امن و ناامن را با رنگ آمیزی مشخص کنید. می توانید از فرزندتان بخواهید طبق آنچه شما قبلاً به او آموزش داده اید، در نقاشی اش نقاط امن را آبی و نقاط ناامن را به رنگ قرمز در بیاورد. اگر کودک تان به مهدکودک می رود، می توانید از مربی مهدکودک بخواهید یک مسابقه نقاشی با موضوع زلزله برای بچه ها برگزار کند.

نوع دوستی را به کودک یاد دهید تا به حمایت دیگران دلگرم شود

زلزله یا سیل به خودی خود ترسناک است و شاید تصور فرار گرفتن در موقعیت بعد از حادثه برای کودک هراس آور باشد و نسبت به اتفاقات نامعلوم آینده احساس ناامنی کند. یک راه حل در حمایت روانی کودکان برای مواجهه با مخاطرات کمک کردن به آسیب دیدگان حوادث طبیعی است؛ کودکان را در کمک به افراد زلزله زده سهیم کنید. اجازه دهید کودکان با بفهمد در شرایط سخت همیشه کسانی هستند که به کمک او بیایند. □

تحصیل همیشه منجر به یادگیری نمی شود

ابراهیم هوشمند، مدرس امداد و نجات جمعیت هلال احمر، درباره اینکه آیا آگاهی دادن به کودکان پیش از وقوع یک حادثه درست است یا خیر به «شهروند» می گوید: «این سوال یک پاسخ مشخص دارد کودکان هم مانند بزرگسالان حق یادگیری دارند. همه کودکان حق دارند بدون نظر گرفتن هیچ موردی آموزش ببینند. این آموزش ها جنبه های مختلف دارد، به جز واحدهای درسی که به طور رسمی در مدرسه برای کودکان ارائه می شود، خانواده ها می توانند در منزل با فرزندان شان در مورد مسائل مختلف حرف بزنند که شناخت مخاطرات می تواند بخشی از این صحبت ها باشد.» به اعتقاد او یکی از نکات بسیار مهم در این آموزش این است که همیشه تحصیل منجر به یادگیری نمی شود، در هر روز ممکن است در سطح جهانی بیش از یک میلیون کودک و نوجوان به مدرسه بروند. این رفتن به مدرسه و تحصیل به تنهایی منجر به یادگیری نمی شود زیرا در کنار این امر برخی معضلات دیگر وجود دارد که کیفیت آموزش را تحت تاثیر قرار می دهد؛ برای مثال می توان به موضوعاتی مانند نحوه آموزش دادن به کودکانی که مشکلی ندارند یا کودکانی که دچار مشکلی مانند معلولیت هستند اشاره کرد یا محل زندگی کودکان و دسترسی آنها به آموزش با کیفیت یا وضع مالی ای که خانواده کودک دارند. قطعاً دسترسی یک کودک کار به آموزش یا داشتن زمان برای خواندن با یک کودک که در خانواده ای با وضع مالی مناسب زندگی می کند تفاوت دارد. جمعیت هلال احمر متصدی اصلی آموزش های همگانی به عموم مردم است و این آموزش های همگانی در حوزه مخاطرات و کمک های اولیه ارائه می شود. به گفته هوشمند آموزش دهنده باید همیشه به روز و بر حوزه مسلط باشد. ما هنوز محتوایی که مختص به کودکان باشد نداریم یا اگر داریم به روزرسانی درست نشده است. کودکان در هر گروه سنی نیاز به یک نوع از آموزش دارند. آموزش دهنده باید یاد بگیرد که با کودک چگونه رفتار کند و چه مطالبی را متناسب با دانش روز در اختیار کودک قرار دهد؟ او ادامه می دهد: «هر شهرستانی که شعاع جمعیت هلال احمر داشته باشد، عامه مردم می توانند در دوره های کمک های اولیه و مخاطرات ثبت نام کنند، اما اگر بخواهیم به طور جدی تر از آموزش به کودکان و نوجوان بگوییم می توان از طرح مدارس سازمان جوانان جمعیت هلال احمر نام برد. طرحی که اسم آن مخفف عنوان «دانش آموزان آماده روزهای سخت» است و قطعاً برای آموزش دادن به این قشر مهم کافی نیست.»

به گفته این کارشناس مهندسی ایمنی وظایفی که خانواده و معلمان و مربیان مهدکودک ها بر عهده دارند کم نیست اما مهم ترین وظیفه ای که می توان به آن اشاره کرد این است که به کودکان توضیح دهیم چرا مخاطرات به وجود می آیند؟ باید با کودکان متناسب با سنی که دارند و با لحن مناسب در مورد مخاطرات صحبت کنیم. مورد دیگری که نباید فراموش کرد این است که باید با کودکان صادق باشیم. کودک این حق را دارد که اطلاعات درست و دقیق، واضح و قابل فهم متناسب با سنی که دارد در اختیارش قرار بگیرد. نباید این را فراموش کرد که نباید به کودکان دروغ بگوییم. در مورد خطرناک بودن مخاطرات نباید به کودکان دروغ گفت اما می توان بر روی ویژگی ها و ویژگی ها تمرکز کرد.

او با بیان اینکه مورد بعدی شناخت سازمان های مهم امدادی است، ادامه می دهد: «باید از همان دوران کودکی سازمان های امدادی مهم را به فرزندان مان بشناسیم. یک کودک باید بداند چه زمانی باید با اورژانس، هلال احمر، آتش نشانی یا پلیس و با چه شماره ای تماس بگیرد و چه اطلاعاتی را در اختیار ابراتور قرار دهد.» هوشمندی برای این تاکید دارد که ما همیشه پاسخ دقیقی برای سوالات فرزندان مان نداریم، به همین دلیل نباید اطلاعات اشتباه، دروغ یا اطلاعات را با کم و کاستی در اختیار کودک قرار دهیم. به گفته این مدرس امداد و نجات جمعیت هلال احمر باید همیشه به فرزندان این اطمینان را بدهیم که امنیت کافی دارند؛ زیرا کودکان در هر سنی که باشند ممکن است تا مدت ها تحت تاثیر آن مخاطره قرار بگیرند. باید زمانی که با کودک صحبت می کنیم در درجه اول اطلاعات خودش را به دست بیاوریم یا حرف هایی که ممکن است از جاهای دیگر کسب کرده باشد، باید اطلاعات اشتباه را با کودک مطرح کنیم تا آگاه شود در زمان وقوع بحران رفتار اشتباه نداشته باشد. □



مهدی حسینی / شهروند

توصیه هایی برای آماده کردن کودکان در مقابله با حوادث طبیعی

از جادوی قصه استفاده کنید

▣ [راضیه زرگری] کشور ما در منطقه جغرافیایی حادثه خیزی واقع شده است؛ سیل ها و زلزله های دهه های اخیر گواه این موضوع است. کودکان یکی از گروه های آسیب پذیر در بحران ها هستند؛ درست مثل سالمندان و معلولان اما این آسیب پذیری را به روش های متعددی می توان کاهش داد. آموزش و ایجاد آمادگی روانی و فیزیکی در همه اقشار جامعه یکی از مهم ترین ضرورت های پیش از بحران است. در این میان آموزش کودکان برای مواجهه با موقعیت های موضوعی است که شاید کمتر به آن توجه شده است. تصور غالب جامعه این است که کودک هیچ درکی از حادثه ندارد و بزرگ ترها باید تا می توانند او را از فضای حادثه و هراس آن دور کنند. این تصور به چند دلیل اشتباه است؛ اول اینکه احتمال وقوع حادثه هر زمان و مکانی وجود دارد و نمی توان کودک را صرفاً به دلیل کم سن و سال بودن از واقعیت های زندگی دور نگه داشت. دلیل دیگر این است که به قابلیت های قابل اتکا در کودکان کم توجهی می شود؛ کودکان و نوجوانان زمینه یادگیری بسیار قوی دارند و می توان با مهارت آموزی مناسب به آنها در مواقع بحران روی آنها حساب کرد. در این گزارش تلاش شده نکته های ترویجی استاندارد برای آموزش کودکان در مواجهه با بحران هایی مثل سیل و زلزله ارائه شود. اینکه ایجاد این مهارت ها در چه بستری باید باشد و بر چه اساسی؟ خانواده چگونه می تواند زمینه های انتقال این مفاهیم را در کودک ایجاد کند؟ و نقش نهادهای مسئول ارائه این آموزش ها و محیط های اجتماعی مخصوص کودکان در توسعه آموزش های مواجهه با بحران در نسل آینده چیست؟

باشیم.» او به اهمیت ایمن نگه داشتن محیط خانه اشاره می کند: «از جمله اقداماتی که والدین و مراقبان کودکان در ایجاد آمادگی در برابر مخاطرات می توانند انجام دهند و به آن عمل کنند، این است که در وجه اول محیط خانه را امن و ایمن نگه دارند؛ مثلاً برای ایمن کردن اتاق کودکان و آمادگی در برابر وقوع زلزله، از آویزان کردن وسایل از سقف اتاق کودکان بپرهیزند. حضور در دوره های آموزشی آمادگی در برابر مخاطرات و انتقال این آموزش های صحیح و به روز به کودکان خود به زبان ساده و کودکانه است.» می توانید برای کودک تان کتاب هایی درباره زلزله بخريد و قصه هایی درباره زلزله بگوئيد، به او بازيان کودکانه بگوئيد که صفحات زمین مثل تکه هایی از پازل به هم متصل شده و تمام در حال حرکت هستند که ما حرکت آنها را حس نمی کنیم، اما زمانی که این تکه ها با هم برخورد می کنند یاد کنار هم سرمی خورند، زلزله به وجود می آید. این حرکت ها گاهی خیلی شدید و گاهی ضعیف است. مادر هر حال باید مدتی که کودک وقت زلزله آمد، خود مان را به جای امن برسایم. کبیری مدرس طرح درس (دانش آموز آماده روزهای سخت) است و به اهمیت ارائه محتوای ساده به کودکان برای انتقال درست مفاهیم تاکید می کند: «والدین و مراقبان کودک باید آموزش های لازم مرتبط با آمادگی در برابر مخاطرات را به زبان ساده و به دور از پیچیدگی مطالب در قالب شعر، نمایش، کودکانه، قصه های کودکانه و استفاده از فیلم های آموزشی مناسب این گروه سنی در اختیار کودکان خود قرار دهند؛ به شکلی که برای کودکان ایجاد جذابیت کند و به علاوه به اهداف آموزشی مورد نظر هم برسد.»

آموزش ها را به خانه محدود نکنید و از جادوی قصه استفاده کنید

وقتی با کودک تان به بیرون از خانه می روید، از او درباره مکان های امنی که هنگام وقوع زلزله در فروشگاه، مدرسه، بیمارستان یا فرودگاه می تواند پناه بگیرد، سوال کنید. می توانید این سوالات را در قالب یک بازی یا مسابقه مطرح کنید. همچنین می توانید در این باره در قالب قصه به او اطلاعاتی بدهید؛ مثلاً به او بگوئید که ستاره می داند هنگام زلزله در فروشگاه، وقتی بزرگ ترهایش را گم کرد، باید آرامش داشته باشد. به طرف در خروجی که قبلاً با مادر از آن وارد شده برود و سریعاً از فروشگاه خارج شود. یا اگر نمی تواند از فروشگاه خارج شود، باید از قفسه ها فاصله بگیرد. سید خریدار روی سرش نگه دارد تا وسایل داخل قفسه ها به او آسیبی نرسند. ستاره می داند که هنگام زلزله ممکن است، برق ها قطع شود، آسانسورها و پله های برقی نیز از کار بیفتند. او می داند که در این وضع نباید گریه کند و اگر در زمان زلزله در آسانسور بود، باید سریع از آن خارج شود.

نقاط امن را آبی و نقاط خطرناک را قرمز کن

کبیری نیز به لزوم یادآوری دوره ای آموزش ها اشاره می کند و می گوید: «خانواده ها بهتر است این مباحث را به صورت روتین تمرین کنند؛ مثلاً به صورت فصلی مباحث را یادآوری و با تکرار به عمیق شدن این یادگیری ها کمک کنند، هر از گاهی آموزش های موثر در قالب بازی و نقاشی و شعر، برگزاری مانورهای خانوادگی در محیط خانه با حضور کودکان داشته باشند. به علاوه این نکته هم اهمیت زیادی دارد که کودک را با شماره تلفن های ضروری آشنا کنند و آنها نقاط امن و خطرناک خانه را بشناسند. با این زمینه های فراهم شده می توان نحوه صحیح خروج از خانه در زمان وقوع مخاطرات را هم با کودک تمرین کرد. مطمئناً با اقدامات پیشگیرانه، آموزش های ایمنی و خود امدادی به کودکان و تمرین و تکرار مداوم مانورهای

ترس کودک را به رسمیت بشناسید و به او حق دهید که از زلزله و سیل با هر اتفاق دیگری بترسد. وظیفه والدین و دیگر افراد مرتبط با دنیای کودکان اول فرار گرفتن آموزش های استاندارد و فراهم کردن زمینه انتقال مفاهیم خود امدادی به کودک است؛ با کودکان باید صادقانه حرف زد و رفتار کرد. پس درباره زلزله و سیل به کودک تان اطلاعات درست بدهید. وقتی در خانه درباره حوادث احتمالی صحبت می کنید و کودک تان از شما درباره زلزله می پرسد، به او بگوئید نگران نباش؛ زلزله هیچ وقت برای ما اتفاق نمی افتد و خانه ما محکم است. این عبارت ها شاید باعث شود که کودک تان آن شب را با خیال راحت بخوابد، اما وقتی زلزله در شهر شما هم اتفاق افتاد، اعتماد او به شما سلب شده و دیگر حرف های تان را به سختی باور می کند و مهم تر اینکه آن حادثه آسیب های بیشتری بر روی کودک خواهد گذاشت. بنابراین به جای اینکه به کودک تان امید های واهی بدهید، درباره زلزله با هر بحران دیگری با او صحبت کنید و او را بخواهید که از ترس ها و اضطراب هایش با شما صحبت کند. با این حال حواس تان باشد در حضور کودکان اخبار حوادث طبیعی را دنبال نکنید؛ بسیاری از خانواده ها مداوم پیگیر اخبار هستند. در این میان پیگیری همیشگی اخبار زلزله یا سیل و دیدن صحنه های دلخراش نه تنها باعث ایجاد رعب و وحشت برای خودشان می شود بلکه تاثیر بسیار بدی هم روی فرزندان می گذارد؛ به خصوص وقتی پس از شنیدن این خبرها جلسه تحلیل و بررسی هم راه می اندازند و از هر چیزی انتقاد می کنید. توصیه می شود اگر می خواهید پیگیر این اخبار ناراحت کننده باشید، حداقل در مقابل فرزندان این کار را انجام ندهید.

وقتی برای فرزندان تان از زلزله و دیگر بلاهای طبیعی صحبت کنید، او را لحاظ ذهنی نسبت به این بلاها آگاه می شود؛ مثلاً به او بگوئید زلزله در همه جای دنیا و در هر خانه ای می تواند اتفاق بیفتد. برای اینکه از ترس های کودک تان کم شود، از فضای خانه استفاده کنید و او را زلزله بازی کنید. می توانید یک مانور زلزله در خانه راه بیندازید و همه اعضای خانواده را در آن شرکت دهید؛ وقتی زلزله فرضی شروع شد، می توانید راه های پناه گرفتن صحیح و غلط را به او آموزش دهید. کدام قسمت های خانه امن و کدام بخش ها ناامن است. قصه ها هم می تواند به کمک خانواده ها بیاید. زهرآبیری مربی دوره های امداد و نجات جمعیت هلال احمر است. او در گفت و گو با «شهروند» می گوید: «ویژگی های فیزیکی کودکان و ناتوانی آنها در شناخت ایمنی و پیشگیری از آسیب ها باعث شده که کودکان بیشتر در معرض خطر آسیب های ناشی از وقوع مخاطرات قرار گیرند.»

این مدرس مباحث آموزش همگانی با اشاره به اینکه در تمام کشورهای جهان از جمله ایران شاهد رخداد حوادث و سوانحی هستیم که علاوه بر خسارت های مالی فراوان آسیب های جانی (ناتوانی های جسمی و روانی) زیادی در بین افراد تحت تاثیر سوانح و از جمله کودکان و نوجوانان ایجاد می کند، اضافه می کند: «مخاطراتی مثل سیل، زلزله، آتش سوزی امنیت روانی افراد جامعه و ویژه کودکان را متزلزل می کند. بنابراین ارتقای سطح مهارت های ایمنی و خود امدادی کودکان کمک بسیار زیادی در کاهش خسارت های جانی در این گروه سنی و نهایتاً به افراد جامعه خواهد کرد.»

پیشگیری از آسیب های کودکان در برابر مخاطرات را باید به عنوان فرآیندی مهم در زندگی پذیرفت. کبیری تاکید می کند: «البته والدین و مراقبان کودک ابتدا باید اصول پیشگیری را فرا گرفته باشند و رعایت کنند تا بتوانند این مهارت ها را در بستری مناسب به کودکان ارائه دهند و شاهد کمترین آسیب های جانی در زمان وقوع مخاطرات در بین این گروه آسیب پذیر